

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیره سیاسی امام صادق علیه السلام

از آنجاکه عمده فعالیت امام صادق علیه السلام علمی و در عرصه فرهنگ و دانش و تربیت شاگردان در علوم مختلف بوده است به همین خاطر فقه شیعه به فقه امام جعفر صادق و مذهب شیعه به مذهب جعفری شهرت یافته است؛ شاید این شبهه در اذهان خطور کند که امام صادق علیه السلام با سیاست میانه خوبی نداشتند و از دخالت در امور حکومتی دوری می کردند. و لذا با وجود زمینه‌های آن و درخواست سیاستمداران بزرگ از ایشان نه خود اقدام به تشکیل حکومت کردند و نه از قیام‌های در حال شکل‌گیری در آن برهه حساس از تاریخ حمایت علنی کردند.

هرچند این دیدگاه موافق نظر سطحی به زندگانی حضرت صادق است و همان چیزی است که در اذهان عموم مردم می‌باشد اما این تمام واقعیت نیست. «برخلاف تصور عمومی حرکت امام صادق علیه السلام تنها در زمینه‌های علمی (با تمام وسعت و گستردگی آن) خلاصه نمی‌شد، بلکه امام فعالیت سیاسی نیز داشت، ولی این بُعد حرکت امام بر بسیاری از گویندگان و نویسندگان پوشیده مانده است.» [۱]

رفتار حضرت از طرفی منفعلانه است بدین معنی که ایشان در برابر حاکمان جور زمان خویش کوتاه آمده و متعرض آنها نمی شدند. از طرفی دیگر در برخی گزارشات امام علیه السلام برخورد جدی تند و جسورانه و کاملاً تهاجمی با خلفای جور همچون منصور داشتند.

فعالیت‌های امام صادق علیه السلام در عرصه سیاست

یکی از بزرگ‌ترین دلایل فعالیت سیاسی امام صادق علیه السلام تهدیدهای مکرر دستگاه حکومتی است. «شهادت امام جعفر بن محمد علیهما السلام پس از گذشت دوازده سال از حکومت سیاه منصور عباسی رخ داد و طی این مدت باینکه امام دور از عراق مرکز حکومت در مدینه می زیست؛ مع ذلک از دست او امان و راحتی نداشت... ابوالقاسم علی بن طاووس طاب ثراه در کتاب شریف مهج الدعوات چنین می نویسد: منصور در دوران حکومتش هفت بار امام صادق علیه السلام را نزد خود احضار کرده است گاهی در مدینه و در ربه به هنگام عزیمت حج و دیگر بار در کوفه و بغداد و در همه این جریانات تصمیم بر قتل امام علیه السلام داشته است. [۲]

الف. اعزام نماینده به منظور تبلیغ امامت:

امام نمایندگانی به مناطق مختلف می فرستاد. از آن جمله شخصی از اهل کوفه به نمایندگی از طرف امام به خراسان رفت و مردم را به ولایت او دعوت کرد. جمعی پاسخ مثبت دادند و اطاعت کردند و گروهی سرباز زدند و منکر شدند و

دسته‌ای به‌عنوان احتیاط و پرهیز از فتنه دست نگه داشتند... در این قضیه، فرستاده‌ی امام، اهل کوفه و منطقه‌ی مأموریت خراسان بوده، درحالی‌که امام در مدینه اقامت داشته است و این وسعت حوزه فعالیت سیاسی امام را نشان می‌دهد. [۳]

ب. منع همکاری یاران و شیعیان با حکومت جور

ج. برخورد لفظی با منصور عباسی

نمونه‌های این برخوردهای امام در مقابل منصور عباسی در جواب پرسش بعدی آمده است.

سؤالی دیگر مطرح است و آن اینکه سیره امام صادق در مسائل سیاسی روز انفعالی بوده است یا تهاجمی؟ برای جواب این پرسش که در ابتدا مشکل به نظر می‌رسد باید به رفتار امام در برخورد با حاکمان زمان نگاهی همه‌جانبه داشت.

برخورد به‌ظاهر منفعلانه سیاسی امام

رفتار حضرت از طرفی منفعلانه است بدین معنی که ایشان در برابر حاکمان جور زمان خویش کوتاه آمده و متعرض آن‌ها نمی‌شدند. بفرض هم تأییدشان نمی‌کردند با آن‌ها مخالفت هم نمی‌نمودند و لاقلاً سکوت اختیار می‌کردند. در برخی گزارشات تاریخی نمونه‌هایی از این نوع برخورد منفعلانه از حضرت به

چشم می خورد. درجایی که منصور عباسی امام را بازخواست کرده و متهم به اقدام علیه حکومتش می کند که امام این مطلب را رد می کنند. استاد شهید مطهری در این زمینه می گوید: «به طور کلی این مطلب روشن است که امام صادق از نظر تصدی امر حکومت و خلافت خیلی حالت کناره گیری به خود گرفت و هیچ گونه اقدامی که نشانه ای از تمایل امام باشد به این که زعامت را در دست گیرد وجود نداشت. این به چه علت بوده و چه جهتی در کار بوده است؟ البته در این جهت شک نیست که اگر فرض کنیم که زمینه، زمینه مساعدی برای امام بود که اگر اقدام می کرد حکومت را در دست می گرفت اما می بایست اقدام می کرد». [۴]

هرچند همین فعالیت های علمی فکری امام بزرگ ترین مبارزه ریشه ای با مخالفان ولایت اهل بیت و شیعیان بود. «درعین حال (که) امام صادق متعرض امر حکومت و خلافت نشد ولی همه می دانند که امام صادق با خلفا کنار هم نیامد مبارزه مخفی می کرد نوعی جنگ سرد در میان بود

برخورد تهاجمی سیاسی امام صادق علیه السلام

از طرفی دیگر در برخی گزارشات امام علیه السلام برخورد جدی تند و جسورانه و کاملاً تهاجمی با خلفای جور همچون منصور داشتند. «امام یاران خود را از نزدیکی و همکاری با دربار خلافت بازمی داشت. روزی یکی از یاران امام رسید: برخی از ما شیعیان گاهی دچار تنگدستی و سختی معیشت می گرد

و به او پیشنهاد می‌شود که برای این‌ها (بنی‌عباس) خانه بسازد، نهر بکند؛ این کار از نظر شما چگونه است؟ امام فرمود: «من دوست ندارم که برای آن‌ها گرهی بزنم یا در مشکی را ببندم، هرچند در برابر آن پول بسیاری بدهند؛ زیرا کسانی که به ستمگران کمک کنند در روز قیامت در سراپرده‌ای از آتش قرار داده می‌شوند تا خدا میان بندگان حکم کند.»

امام شیعیان را از ارجاع مرافعه به قضات دستگاه بنی‌عباس نهی می‌کرد و احکام صادرشده از محکمه آن‌ها را شرعاً لازم الاجرا نمی‌شمرد. امام به فقیهان و محدثان هشدار می‌داد که به دستگاه حکومت وابسته نشوند و می‌فرمود: «فقیهان امنای پیامبرانند، اگر دیدید به سلاطین روی آوردند به آنان بدگمان شوید و اطمینان نداشته باشید.» [۵] امام از رفت‌وآمد به دربار منصور جز در مواردی سرباز می‌زد و به همین سبب هم از طرف منصور مورد اعتراض قرار می‌گرفت. چنانچه روزی به آن حضرت گفت: چرا مانند دیگران به دیدار او نمی‌رود؟ امام در جواب فرمود: «لیس لنا ما نخاف من أجله و لا عندک من أمر الآخره... ما کاری نکردیم که به جهت آن از تو بترسیم و از امر آخرت پیش تو چیزی نیست که به آن امیدوار باشیم و این مقام تو در واقع نعمتی نیست که آن را به تو تبریک بگوییم و تو آن را مصیبتی برای خود نمی‌دانی که تو را دلداری بدهیم پس پیش تو چکار داریم؟» بدین گونه بود که امام نارضایتی خود را نسبت به حکومت او ابراز می‌داشت چنانچه با توصیه‌های سیاسی به افراد مانند: ایّاک و

مجالسة الملوك. بر تو باد که از هم‌نشینی پادشاهان دوری کنی. یاران خود را نیز از هم‌نشینی سلاطین برحذر می‌داشت؛ و نیز می‌فرمود: کفارة عمل السلطان. الاحسان إلى الاخوان. کفاره همکاری با سلطان نیکی به برادران است. آن حضرت عالمانی را که به دربار شاهان رفت‌وآمد داشتند از این کار بیم داده و می‌فرمود: الفقاء أمناء الرسل... فقیهان امنای پیامبرانند اگر فقیهی را ببینید که پیش سلاطین رفت‌وآمد دارد او را متهم کنید. روزی منصور از آن حضرت پرسید: یا ابا عبدالله! لم خلق الله تعالى الذباب؟ فقال: «لِيُذِلَّ بِهِ الْجَبَابِرَةَ». ای ابا عبدالله خدا پشه را برای چه آفریده است؟ فرمود: «برای این که دماغ زورگویان را به خاک بمالد.» [۶]

از این‌ها گذشته چنین نباید تصور شود که فعالیت سیاسی امام منحصر در مبارزه مستقیم و قیام مسلحانه بوده باشد تا گفته شود چون امام قیام نکرد و به مبارزه مستقیم با امویان و عباسیان برنخواست پس حضرت کار سیاسی را کنار گذاشته بودند و تنها به کار علمی فرهنگی صرف مشغول بودند هرچند همین فعالیت‌های علمی فکری امام بزرگ‌ترین مبارزه ریشه‌ای با مخالفان ولایت اهل‌بیت و شیعیان بود. «درعین حال (که) امام صادق متعرض امر حکومت و خلافت نشد ولی همه می‌دانند که امام صادق با خلفا کنار هم نیامد مبارزه مخفی می‌کرد نوعی جنگ سرد در میان بود معایب و مثالب و مظالم خلفا همه به وسیله امام صادق در دنیا پخش شد و لهذا منصور تعبیر عجیبی درباره ایشان

دارد. می‌گوید: هذا الشجی معترض فی الحلق... جعفر بن محمد مثل یک استخوان است در گلوی من نه می‌توانم بیرونش بیاورم و نه می‌توانم فرویش ببرم؛ نه می‌توانم یک مدرکی از او به دست آوردم کلکش را بکنم و نه می‌توانم تحملش کنم چون واقعاً اطلاع دارم که این مکتب بی‌طرفی که او انتخاب کرده علیه ما هستند. [۷]

پی‌نوشت‌ها

[۱] سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص ۳۷۷، موسسه امام صادق علیه‌السلام قم، تابستان ۸۰

[۲] صفحاتی از زندگانی امام جعفر صادق علیه‌السلام، علامه مظفر، ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی، انتشارات قلم، چاپ اول، ص ۱۶۷

[۳] سیره پیشوایان، ص ۳۷۸

[۴] سیری در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، مرتضی مطهری، ص ۱۲۴، انتشارات صدرا، چاپ بیست و چهارم

[۵] سیره پیشوایان، ص ۳۹۹

[۶] حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص ۳۶۹، انتشارات انصاریان قم چاپ دهم ۸۶

[۷] سیری در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، مرتضی مطهری، صص ۱۳۹ و ۱۴۰.